

استراتژی های معامله بر اساس میانگین های متحرک



استفاده از میانگین های متحرک مزایای زیادی دارد که به صورت کلی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- 1- از بین بردن نویزها که سیگنال های اشتباه صادر می کنند.
- 2- میانگین های متحرک می توانند به عنوان حمایت یا مقاومت عمل کنند. البته قیمت همیشه در رسیدن به میانگین های متحرک چنین واکنشی نشان نمیدهد و گاهی اوقات از میان آنها میگذرد.

به صورت کلی دو نوع میانگین متحرک داریم:

- میانگین متحرک ساده یا Simple Moving Average
- میانگین متحرک نمایی یا Exponential Moving Average

هیچکدام از این دو نوع میانگین برتری خاصی نسبت به یکدیگر ندارد. تفاوت اصلی آنها در این است که میانگین متحرک نمایی (EMA) وزن بیشتری دارد.

نکته بعدی این است که گاهی اوقات میانگین متحرک ساده و گاهی نیز میانگین متحرک نمایی در بازار بهتر عمل می کنند. این بستگی به شرایط بازار دارد.

تایم فریم انتخابی شما برای استفاده از میانگین های متحرک نیز می تواند نقشی اساسی را بازی کند؛ فارغ از این موضوع که از کدام میانگین متحرک استفاده می کنید.

(مترجم: به منظور درک بهتر تفاوت های این دو نوع میانگین متحرک به صفحات 181 و 182 از کتاب تحلیل تکنیکال جان مورفی مراجعه کنید)

پریود میانگین های متحرک

پریودهای متداول که برای میانگین های متحرک انتخاب میشوند، معمولا 10، 20، 50، 100 و 200 هستند. البته در بازار ایران می توان از پریودهای دیگری مثل 12، 55 نیز استفاده کرد. این پریودها را می توان در تمامی تایم فریم ها (از 1 دقیقه ای گرفته تا هفتگی و ماهانه) استفاده کرد. این مورد بستگی به افق دید معامله گر دارد. تایم فریم و پریودی که برای میانگین های متحرک انتخاب می کنید می تواند نقش مهمی در تاثیرگذاری این ابزار داشته باشند.

میانگین های متحرک که پریود کوتاه تری داشته باشند (مثلا 10)، نسبت به میانگین های متحرکی که پریودهای بلندتری دارند (مثلا 50)، سریع تر نسبت به تغییرات قیمت واکنش نشان می دهند. تصویر سهام اپل

مثلا یک میانگین متحرک 20 روزه برای یک معامله گر کوتاه مدت، سودآورتر از یک میانگین متحرک 100 روزه است. به دلیل اینکه میانگین متحرک 20 روزه سریعتر به تغییرات قیمت را دنبال می کند و عقب ماندگی کمتری نسبت به میانگین متحرک 100 روزه دارد.

باید به این نکته اشاره داشته باشیم که وقتی قیمت در بالای میانگین متحرک حرکت میکند، روند صعودی است. اما هنگامی که قیمت به زیر میانگین متحرک می رود، این می تواند سیگنالی مبنی بر تغییر روند احتمالی باشد (به کلمه **احتمالی** توجه کنید).

اما دقیقا همینجاست که یکی از مشکلات میانگین های متحرک کوتاه مدت (مثلا 20 روزه) نسبت به میانگین های متحرک بلند مدت تر (مثلا 50 یا 100 روزه) مشخص می شود.

در این حالت به دلیل اینکه میانگین متحرک 20 روزه نسبت به میانگین متحرک 100 روزه به قیمت نزدیک تر است، می تواند به راحتی سیگنال های بازگشت روند (که در واقع سیگنال های اشتباه هستند) صادر کند. در حالی که در میانگین متحرک 100 روزه از این قبیل سیگنال های اشتباه دیده نمیشوند.

علاوه بر میانگین های متحرک متداول (10، 20، 50، 100 و 200) شما قادرید که از میانگین های متحرک با پریودهای مختلف (15، 28، 89 و ...) استفاده کنید.

شاید یکی از بهترین راه ها برای پیدا کردن پریود مناسب برای میانگین های متحرک این باشد که اکثر آنها را روی نمودار سهام مورد نظر تست کنیم و ببینیم که در طول تاریخ سهم کدام یک بهترین و دقیق ترین سیگنال ها را صادر کرده است.

استراتژی های معامله بر اساس میانگین های متحرک

Crossovers: این یکی از اصلی ترین استراتژی هاست. همانطور که قبلا گفتیم، اگر قیمت به بالای میانگین متحرک حرکت کند یا به زیر آن برود، می تواند سیگنالی از تغییر روند **احتمالی** باشد.

روش دومی هم برای استفاده از Crossovers وجود دارد. می توانیم دو میانگین متحرک روی نمودار بیندازیم؛ یکی بزرگ تر (پریود بالاتر) و دیگری کوچک تر (پریود کمتر). هنگامی که میانگین متحرک کوچک تر، میانگین متحرک بزرگ تر را رو به بالا قطع کرد، این سیگنال خرید خواهد بود و نشان می دهد که روند در حال صعودی شدن است. نام دیگر این سیگنال Golden Cross می باشد.

اما هنگامی که میانگین متحرک کوچک تر، میانگین متحرک بزرگ تر را رو به پایین زد، این سیگنال فروش خواهد بود و نشان می دهد که روند در حال نزولی شدن است. نام دیگر این سیگنال Death/Dead Cross است.

معایب

به طور طبیعی میانگین های متحرک بر اساس اطلاعات تاریخی شکل میگیرند و آینده را پیش بینی نمی کنند. بنابراین ممکن است که استفاده از میانگین های متحرک همیشه جواب ندهد. مشکل دیگر این است که هنگامی که میانگین های روند قیمت اندکی متلاطم باشد ممکن است چندین سیگنال خرید و فروش به صورت متوالی دریافت کنید. در این حالت بهترین کار این است که از سایر اندیکاتورها برای درک بهتر شرایط و تصمیم گیری صحیح تر استفاده کنید. به عنوان یک قانون کلی، میانگین های متحرک در زمانی که بازار دارای یک روند قوی هست (صعودی یا نزولی) به خوبی کار می کنند اما این مورد در بازارهای متلاطم و رنج به چشم نمیخورد. استفاده از تایم فریم های دیگر ممکن است که به صورت موقتی این مشکل را برطرف کند اما این کار نیز همیشه موثر واقع نمیشود.

این نکته را نیز از جان مورفی به خاطر داشته باشید:

((در بازارهایی که از ثبات بیشتری برخوردار می باشند، میانگین های متحرک کوتاه مدت مفیدتر ظاهر میشوند در حالی که به نظر می آید در سایر مواقع استفاده از میانگین های طولانی تر و با حساسیت کمتر، کاربرد بیشتر داشته باشند ((

Source: Investopedia.com

Translate and Edit by: Alireza Zare